

دانشگاه پیام نور تهران

دانشگاه پیام نور مرکز تهران  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## تصحیح قصاید رضا قلی خان هدایت

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

سمیرا نجد سمیعی

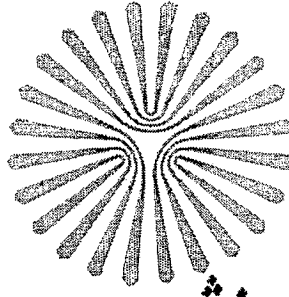
استاد راهنما:

دکتر علی (پدرام) میرزایی

استاد مشاور:

دکتر فاطمه کوپا

زمستان ۱۳۸۶



دانشگاه سindh  
په

## تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان:

تصحیح انتقادی دیوان شعر رضا قلی خان هدایت

نمبره: ۱۹۷۵ درجه: عالی

تاریخ دفاع: ۸۶/۱۱/۲۹

اعضای هیات داوران:

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما  
استاد مشاور  
استاد داور  
نماینده گروه

۱. آقای دکتر علی (پدرام) میرزایی
۲. سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا
۳. آقای دکتر علی محمد پشتدار
۴. سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

تقدیم به  
مادر و پدر مهربانم  
که همواره حامی و همراه من در زندگی بوده‌اند

## سیاسگزاری

راهنمایی‌ها و آموزش‌های مداوم استاد راهنمای بزرگوارم،  
جناب آقای دکتر علی (پدرام) میرزایی، پیشنهادها و نقطه‌نظرهای  
قانونمند و نظم‌آفرین استاد مشاور عزیزم، سرکار خانم دکتر فاطمه  
کویا، و هدایت و تربیت دیگر استادان ارجمندم در گروه زبان و  
ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران در طول دورهٔ تحصیلی  
کارشناسی ارشد، به زبان، قابل سپاس و ستایش نیست.

همچنین همکاران و دوستان همدلی چون سرکار خانم  
ارمغان جزایری، سرکار خانم نیکو خاکپوز، جناب آقای دکتر  
وحید نتاج، جناب آقای اردشیر تبریزی، جناب آقای سعید  
شبستری، و بسیاری دیگر که لحظه به لحظه مرا در مراحل تدوین  
و تنظیم این پایان‌نامه همراهی کرده‌اند، منتهی بزرگ بر سر من  
دارند که جبران‌ناشدنی است.

## فهرست مطالب

تقدیم‌نامه	یک
سپاسگزاری	دو
فهرست عنوان قصاید	چهار
فهرست مطلع قصاید	هشت
چکیده	ده
مقدمه	یازده
رضاقلی خان هدایت	سیزده
چگونگی نسخه‌یابی و شیوه تصحیح	شانزده
ویژگی‌های ظاهری اثر	هجده
عکس روی جلد	بیست
عکس پشت جلد	بیست و یک
نمونه صفحه اول دیوان	بیست و دو
نمونه صفحه دیگری از دیوان	بیست و سه
ویژگی‌های املائی و رسم‌الخطی اثر	بیست و چهار
ویژگی‌های قصاید	سی و شش
قصاید	۱
فهرست منابع و مراجع	۲۰۴
چکیده انگلیسی	۲۰۸

## فهرست عنوان قصاید

۱. فی التوحید و نعت النبی (ص) ..... ۲
۲. فی النعت و المنقبت صلی الله علیه و آله ..... ۴
۳. در مدح سلطان گیتی ستان و شاهنشاه اسلام پناه، محمدشاه قاجار غازی، خلدالله ملکه ..... ۵
۴. ایضاً این قصیده در مدح سلطان گیتی ستان، محمدشاه قاجار غازی، خلدالله ملکه، در ۱۲۵۰ ..... ۴
- در فارس معروض شده ..... ۹
۵. قصیده در نعت حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۱
۶. ایضاً در ستایش شهریار عدالت شعار، سلطان محمدشاه غازی قاجار، خلدالله ملکه ..... ۱۴
۷. وَ لَهُ آيْضاً فِي مَدِيحِ السُّلْطَانِ ..... ۱۷
۸. این قصیده در مدح سلطان صاحبقران، فتحعلی شاه قاجار مغفور در هنگام ورود به فارس منظوم شده ..... ۱۸
۹. ایضاً قصیده در صفت زمستان و مدیح حضرت اقدس، ظلّ الله، شاهنشاه فلکجاه، محمدشاه غازی،  
خلدالله ملکه ..... ۲۱
۱۰. وَ لَهُ آيْضاً ..... ۲۵
۱۱. وَ لَهُ آيْضاً فِي مَدْحِ السُّلْطَانِ، خلدالله ملکه ..... ۲۶
۱۲. در نشیب و یاد حبیب و شکایت از جور رقیب و تخلص به مدح شاهنشاه اسلام پناه، محمدشاه ..... ۲۷
۱۳. ایضاً قصیده در ذکر مشیب و در تأسّف از عهد شباب و مدیح حضرت امیر المؤمنین (ع) ابوتراب،  
روحي فداه ..... ۲۸
۱۴. وَ لَهُ آيْضاً فِي الْمَوْعِظِ ..... ۳۰
۱۵. وَ لَهُ آيْضاً فِي شِكَايَةِ اَزْ حِكَايَةِ پرنکایت صیام و نکوهش ارباب ریا و تخلص به مدح پادشاه اسلام پناه،  
محمدشاه غازی قاجار، خلدالله ملکه ..... ۳۲
۱۶. وَ لَهُ آيْضاً فِي الْمَدْحِ ..... ۳۴
۱۷. وَ لَهُ آيْضاً فِي نَعْتِ النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ، صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۳۷
۱۸. ایضاً در صفت بهار و مدح پادشاه جم اقتدار، سلطان الاسلام، ابوالمظفر محمدشاه غازی قاجار ..... ۴۰
۱۹. در صفت بهار و مدحت حضرت شهریار گردون و قار، سلطان غازی، محمدشاه قاجار ..... ۴۱
۲۰. در تهنیت عید سعید غدیر و منقبت امیر کلّ، امیر شاه ولایت (ص) و تخلص به مدح شاهنشاه غازی،  
محمدشاه ..... ۴۳

۲۱. و له ايضاً في الحقايق والدقايق..... ۴۵
۲۲. در ستايش مروج ملت تازی، ابوالمظفر سلطان محمدشاه قاجار غازي، خلدالله ملكه..... ۴۷
۲۳. ايضاً در مدحت سلطان گيتي ستان، ابوالنصر و المجد و الظفر، سلطان محمدشاه غازي..... ۵۰
۲۴. در حكمت و تحقيق و معرفت و نعت حضرت ختمی مآب نبوی ص ع و آله..... ۵۲
۲۵. در مدحت شاهنشاه اسلام پناه ابوالمظفر، سلطان گيتي ستان، محمدشاه غازي، خلدالله ملكه..... ۵۴
۲۶. في الحقايق والحكمة..... ۵۶
۲۷. و له ايضاً در مدح سلطان فتحعلي شاه متخلص به خاقان، انارالله بز هانه و نورالله مضجعه، عرض شده بود..... ۵۷
۲۸. در صفت زمستان و تخلص به مدح حضرت سلطان گيتي ستان، محمدشاه غازي قاجار، خلدالله ملكه..... ۶۱
۲۹. و له ايضاً در حكمت و نصيحت و شكوي از دنيا و مدح جناب حاج ميرزا آقاسی سلمه الله لآلی..... ۶۳
۳۰. و له ايضاً..... ۶۶
۳۱. ايضاً در جواب قصيده امير معزي سمرقندی و تخلص به مدح سلطان غازي كامكار، محمدشاه قاجار، خلدالله ملكه..... ۶۷
۳۲. در ستايش حضرت اقدس، ظل الله، شاهنشاه عادل كامل، غازي محمدشاه، خلدالله ملكه..... ۶۹
۳۳. ايضاً در مدح شهر يار عدالت شعار، مظهر قدرت خداوندي و مروج شريعه تازی، ابوالمظفر محمدشاه قاجار غازي..... ۷۲
۳۴. ايضاً در وصف بهار و صفت گلزار و مدح سلطان كامكار، محمدشاه غازي قاجار..... ۷۳
۳۵. ايضاً در مدح دُر درج سلطنت و اختر برج معدلت، حضرت اقدس، ظل الله، محمدشاه..... ۷۸
۳۶. اين قصيده در تنبيه نفس و نصيحت و موعظه و ندامت و ملامت از تعلقات دنيوی است..... ۸۱
۳۷. و له در جواب قصيده امير معزي سمرقندی رحمة الله به تغيير القافية والتخلص به مدح السلطان محمدشاه، روحنا فداه..... ۸۴
۳۸. در صفت و مدح حضرت گردون رتبت، پادشاه جم جاه، سلطان غازي محمدشاه، روحنا فداه..... ۸۶
۳۹. در مدح و ستايش پادشاه جم خرگاه و سلطان گيتي پناه، محمدشاه غازي قاجار، روحنا فداه..... ۸۹
۴۰. و له ايضاً في المدح والتمجيد..... ۹۱
۴۱. و له قصيده موسومة به مواقف المعارف در توحيد و نعت و منقبت حضرت نبوی ص و آله و حضرت امير المؤمنين علي ع..... ۹۳
- مطلع ثاني..... ۹۵
- مطلع ثالث..... ۹۷
۴۲. در نصيحت و موعظه و تحقيق و تجريد و تفريد و زهد و پند گويد..... ۹۸
۴۳. ايضاً در صفت فصل دي و ذكر آذر و می و مدح سلطان گيتي ستان، محمدشاه غازي، خلدالله ملكه..... ۱۰۱
۴۴. و له ايضاً در ستايش و مدايح پادشاه شريعت پناه طريقت آگاه، سلطان مجاهد غازي، محمدشاه..... ۱۰۴
۴۵. در شيراز در تاريخ زفاف ميمنت اتصاف نواب اشرف والا، فريدون ميرزا، گفته شد..... ۱۰۷
۴۶. در مدحت جناب جلالتمآب، فخر المحققين، فخرالدين عباس المشتهر، حاج ميرزا آقاسی، نعمة الله..... ۱۰۹

۴۷. قصیده در نصیحت و موعظه و مذمت دنیا و ترغیب به کمالات نفسانی و روحانی و عقلانی ..... ۱۱۱
۴۸. در صفت فصل زمستان و تخلص به مدح حضرت سلطان السلاطین، محمدشاه غازی، روحنا فداه ..... ۱۱۴
۴۹. در مرثیه پور و سوک خاقان مغفور مبرور، نورالله مضجعه ..... ۱۱۷
۵۰. و له أيضاً ..... ۱۱۸
۵۱. در شکرانه و تحمید دولت ابد مدت پادشاه عصر، سلطان محمدشاه غازی، و مدح جناب والا ..... ۱۲۰
۵۲. در مدحت پادشاه اسلام پناه و ظل الله عدالت آگاه، سلطان محمدشاه، روحنا فداه ..... ۱۲۲
۵۳. و له أيضاً ..... ۱۲۴
۵۴. در جواب قصیده لامعی گرگانی و تخلص به مدح طراز تخت و مسند خاقانی، شاهنشاه دین پناه،  
محمدشاه ..... ۱۲۶
۵۵. در شکرانه سپری شدن ماه صیام و ورود عید سعید و نکوهش علمای بی عمل و تمجید جناب فخر محققین،  
فخرالدین ..... ۱۲۹
۵۶. در اظهار اسف از اتلاف عمر در غفلت ..... ۱۳۱
۵۷. در تهنیت عید سعید شوال و تخلص به مدح شهریار بی همال ..... ۱۳۴
۵۸. در مدح سلطان معظم و خاقان مکرم، ابوالمظفر محمدشاه غازی، خلدالله ملکه و ابدالله سلطنه ..... ۱۳۷
۵۹. در مدح پادشاه سلیمان جاه سکندرگاه، حضرت ظل الله، سلطان محمدشاه ..... ۱۴۰
۶۰. در صفت ربیع و تخلص به مدح شاهنشاه اسلام پناه، محمدشاه ..... ۱۴۳
۶۱. در تهنیت فتح غوریان و مدح سلطان گیتی ستان، محمدشاه غازی، خلدالله ملکه ..... ۱۴۳
۶۲. و له أيضاً هذا القصيدة الموسومة بخلصة الاعتقاد في المبدأ والمعاد و ذم المتصوفه ..... ۱۴۶
۶۳. در ستایش خسرو کامکار و پادشاه نامدار، ابوالمظفر محمدشاه غازی قاجار، خلدالله سلطنه ..... ۱۴۸
۶۴. در مدح دارای جوان بخت و سلطان فلک تخت، شاهنشاه اسلام، محمدشاه غازی ..... ۱۵۰
۶۵. در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فی صنعت التقسیم ..... ۱۵۳
۶۶. در هنگام هجرت از فارس و ورود به ری و شرفیابی به حضور باهرالنور شاهنشاه اسلام، محمدشاه غازی،  
خلدالله ملکه، معروض شد ..... ۱۵۶
۶۷. در مخاطبه بازلف نگار و صفات طره طرار یار و تخلص به مدحت شهریار جم اقتدار،  
سلطان محمدشاه قاجار، خلدالله ملکه ..... ۱۶۰
۶۸. در مخاطبه با چشم محبوب به طرز و اسلوبی مرغوب و مدح سلطان السلاطین،  
محمدشاه قاجار غازی ..... ۱۶۴
۶۹. به پاسخ قصیده حکیم ازرقی هروی در صفت باغ و بهار و مدحت سلطان کامکار، محمدشاه قاجار ..... ۱۶۷
۷۰. هذه القصيدة المصنوعة صنعة الجمع والتقسيم واللف والنشر وغير ذلك من الصنایع فی مدح السلطان  
محمدشاه غازی ..... ۱۷۱
۷۱. در مدح جناب جلالتمآب، فخرالمحققین، فخرالدین الحاج میرزا آقاسی، المتخلص بفخری،  
سلمه الله لآلی ..... ۱۷۴



۷۲. پاسخ قصیده سید معین الدین، شاه ناصر بن خسرو علوی، در حقایق و معارف و مواعظ و حکمت و سلوک. ۱۷۵
۷۳. و له ایضاً فی الحقایق و المواعظ و التجرید و التخلّص به مدح الامیر المؤمنین علی علیه السلام. ۱۷۹
۷۴. به سیاق و سبک حکیم شاه ناصر خسرو علوی گفته شده. ۱۸۲
۷۵. در مدح سلطان کامکار معدلت شعار، مظهر آیات کردگار، محمدشاه قاجار. ۱۸۳
۷۶. ایضاً در صفت محبوب و تشبیب بدین اسلوب و تخلص به مدحت سلطان عصر، محمدشاه، خلدالله ملکه. ۱۸۵
۷۷. در شکوی از سپهر بی مهر فرزانه فریب و اظهار پیری و مشیب. ۱۸۶
۷۸. و له ایضاً. ۱۸۸
۷۹. در پاسخ قصیده حکیم عنصری بلخی و تخلص به نام مبارک شاهنشاه ایران، خلدالله ملکه. ۱۹۱
۸۰. و له ایضاً در مدح حضرت اسدالله الغالب علی بن ابیطالب، روحنا فداه گفته شد. ۱۹۲
۸۱. فی الحقایق و النصایح و التعزیه السلطان المغفور، فتحعلی شاه، غفرالله له. ۱۹۴
۸۲. در مدحت حضرت شاهنشاه، سلطان گیتی پناه، خلدالله ملکه. ۱۹۶
۸۳. در تعزیت خاقان مغفور، فتحعلی شاه رضوان جایگاه، و تهنیت سلطان منصور، محمدشاه گیتی پناه،  
روحنا فداه، در سنه ۱۲۵۰ در فارس منظوم افتاد. ۱۹۸
۸۴. در خطاب به بدر و تشبیه آن به معشوق و تخلص به مدح خسرو آفاق، شاهنشاه ایران. ۲۰۱
- مطلع ثانی خطاب به شمع و تشبیهات کنایه از آن و تخلص به مدح شاه گیتی پناه، محمدشاه غازی. ۲۰۲
- مطلع ثالث در خطاب زمین بوس به مدح دارای ملک ایران، شاهنشاه عادل، محمدشاه غازی. ۲۰۳

## فهرست مطلع قصاید

- |   |  |
|---|--|
| <p>۲۶ . مرازگردون در دل همه شگفت آید ..... ۵۶</p> <p>۲۷ . هر که اندر پای خاقان سرگذارد ..... ۵۷</p> <p>۲۸ . درین فصل کنجی مکان کرد باید ..... ۶۱</p> <p>۲۹ . دانا به دهر خوار و حزین باشد ..... ۶۳</p> <p>۳۰ . یار چون رفته چه حاصل که بهار آید ..... ۶۶</p> <p>۳۱ . تادلم در سر آن طرّه طرار بود ..... ۶۷</p> <p>۳۲ . شرار دوری ات چون آتشم در جان فروریزد ..... ۶۹</p> <p>۳۳ . اگر خود از بدخشان لعل و از عثمان گهر خیزد ..... ۷۲</p> <p>۳۴ . زین نفحه که در دم شمال دارد ..... ۷۳</p> <p>۳۵ . مشک است یا که غالیه یا عنبر ..... ۷۸</p> <p>۳۶ . این چه سود است در دل مهجور ..... ۸۱</p> <p>۳۷ . ای نرگس مشکین تو بر طرف چمن بر ..... ۸۴</p> <p>۳۸ . فراشت رایت عیش و طرب به گردون سر ..... ۸۶</p> <p>۳۹ . لاله بشکفته بین به عنبرش اندر ..... ۸۹</p> <p>۴۰ . گویی که به گرد رخت آن چنبر عنبر ..... ۹۱</p> <p>۴۱ . ویحک ای شاه باز شیرشکار ..... ۹۳</p> <p>۴۲ . ای خداوندان دانش چند اندر هر دیار ..... ۹۸</p> <p>۴۳ . در دی و آذر مباح بی می و آذر ..... ۱۰۱</p> <p>۴۴ . ای به دل چون قبله اسلامیان یعنی حجر ..... ۱۰۴</p> <p>۴۵ . تبارک الله از جشن و عیش میر مظفر ..... ۱۰۷</p> <p>۴۶ . نه از کسی است مرا بیم و نر کسی است هراس ..... ۱۰۹</p> <p>۴۷ . نبندد هیچ مقبل دل بر این دنیا و اقبالش ..... ۱۱۱</p> <p>۴۸ . هوا طرفه بالا گرفته است کارش ..... ۱۱۴</p> <p>۴۹ . مهری که پروریدم از جان به هفت سالش ..... ۱۱۷</p> <p>۵۰ . سحرگه که شد بر رواق مرفع ..... ۱۱۸</p> | <p>۱ . این هفت توی گنبد و این شش دری سرا ..... ۲</p> <p>۲ . همی بینم جهان را چون یکی دریای طوفانزا ..... ۴</p> <p>۳ . لؤلؤ چه نهی به لاله تزئین را ..... ۵</p> <p>۴ . ای ترک خیز و برکش خفتان را ..... ۹</p> <p>۵ . در جام کن آن می مروّق را ..... ۱۱</p> <p>۶ . چه بود این خرف گشته پیرکهن را ..... ۱۴</p> <p>۷ . دلم ریوده دلبری سمن بر ..... ۱۷</p> <p>۸ . بیخ بیخ لک ای دیار فرحزا ..... ۱۸</p> <p>۹ . چه کرد آن شاره لعلی چه کرد آن کرته مینا ..... ۲۱</p> <p>۱۰ . چو بردی از برم ای دهر یار و باران را ..... ۲۵</p> <p>۱۱ . برگل بویا سرود بلبل گویا ..... ۲۶</p> <p>۱۲ . هم از دیار جدا کرد و هم ز یار مرا ..... ۲۷</p> <p>۱۳ . در بحر جهان کم شدم شباب ..... ۲۸</p> <p>۱۴ . بر عقل خویش هر کس مفتون است ..... ۳۰</p> <p>۱۵ . هر چند گه روزه و ماه رمضان است ..... ۳۲</p> <p>۱۶ . ای چو شب روز کرم در روزگارت ..... ۳۴</p> <p>۱۷ . هیچ دانی کز آنچه موجود است ..... ۳۷</p> <p>۱۸ . ها فصل بهار است و جهان رشک بهار است ..... ۴۰</p> <p>۱۹ . گر نه شمر با شمال بر سر کین است ..... ۴۱</p> <p>۲۰ . ها ماه سپندارمذ و عید غدیر است ..... ۴۳</p> <p>۲۱ . هر که بر عمر و جاه مغرور است ..... ۴۵</p> <p>۲۲ . سیاه ساج تو را بر کنار سیمین عاج ..... ۴۷</p> <p>۲۳ . دل من کرد غارت و تاراج ..... ۵۰</p> <p>۲۴ . ز این نگارش ها که بر این سقف ازرق کرده اند ..... ۵۲</p> <p>۲۵ . کمانی در خم آورده کمندی پر ز چین دارد ..... ۵۴</p> |
|---|--|

۵۱. آب صفا روان شد در جویبار شرع..... ۱۲۰
۵۲. تو را که ابروی و مژگان به سان خنجر و تیغ..... ۱۲۲
۵۳. هیچ ندانم که این رواق مطبق..... ۱۲۴
۵۴. آمد شب ای جمال هان اندر زمام آور جمل..... ۱۲۶
۵۵. ماه رمضان رفت و در آمد مه شوال..... ۱۲۹
۵۶. نه صاحب دنیا نه مرد دینم..... ۱۳۱
۵۷. ماه من کرد جا به گوشه بام..... ۱۳۴
۵۸. چو آفتاب بتابید رخ ز ایوانم..... ۱۳۷
۵۹. ترکی جنگی بیرده دل ز کف من..... ۱۴۰
۶۰. باز جهان شد جوان و از در تحسین..... ۱۴۳
۶۱. فرخنده باد و خرم و خوش بر خدایگان..... ۱۴۳
۶۲. چه گویی ز اتحاد و از حلول ای عارف نادان..... ۱۴۶
۶۳. برکش ز تن ای بهشت رو جوشن..... ۱۴۸
۶۴. نه گر ابر بهاری دیده من..... ۱۵۰
۶۵. زهی دو زلف دو تایت سه شکل کرده عیان..... ۱۵۳
۶۶. چو ساز دادم ساز سفر به وجه حسن..... ۱۵۶
۶۷. ای دام دل ای کلاله جانان..... ۱۶۰
۶۸. ای نرگش ای فتنه دل و دین..... ۱۶۴
۶۹. گویی که زادگان مه و مهر و بحر و کان..... ۱۶۷
۷۰. مرا شد چار چیز یار قاتل گر سپردم جان..... ۱۷۱
۷۱. از قیروان بیویی اگر تا به قیروان..... ۱۷۴
۷۲. کم گوی ز کیف و آیین و از ماهو..... ۱۷۵
۷۳. زنگار فشاندند یک سره..... ۱۷۹
۷۴. جز روی یار و طره طراره..... ۱۸۲
۷۵. در پرند کور چشم آن کور چشم آمد به راه..... ۱۸۳
۷۶. برده دلم دلبری چهارده ساله..... ۱۸۵
۷۷. ای گرد گرد گنبد زنگاری..... ۱۸۶
۷۸. سرو من بر لاله از سنبل نقاب آرد همی..... ۱۸۸
۷۹. ای شکسته سر زلف ترک شیرازی..... ۱۹۱
۸۰. طویی لک ای غلام قدت طویی..... ۱۹۲
۸۱. سپهر راست گویم از توام دل در هراسستی..... ۱۹۴
۸۲. نگارینا همی در سر هوای گلستان داری..... ۱۹۶
۸۳. دریغا خسرو ایران جم اول کی ثانی..... ۱۹۸
۸۴. ای ماه چارده شبه گر نی مه منی..... ۲۰۱

نام و نام خانوادگی دانشجو: سمیرا نجد سمیعی  
عنوان پایان‌نامه: تصحیح قصاید میرزا قلی خان هدایت  
استاد راهنما: دکتر علی (پدرام) میرزایی  
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد  
رشته: زبان و ادبیات فارسی  
گرایش: محض  
دانشگاه: پیام نور  
دانشکده: پیام نور مرکز تهران  
تاریخ فارغ‌التحصیلی: بهمن ۱۳۸۶  
تعداد صفحه: ۲۶۳ صفحه

کلید واژه: تصحیح انتقادی، شعر، قصاید، رضاقلی خان هدایت.

## چکیده:

این رساله، تصحیح انتقادی نسخه خطی دیوان شعر رضاقلی خان هدایت (۱۲۸۸-۱۲۱۵ ه. ق.) است. از کل دیوان که شامل قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند و ساقی‌نامه - حدود هشت هزار بیت - است، بخش قصاید آن که بالغ بر چهار هزار بیت می‌باشد، فعلاً تصحیح و آماده طبع شده است. توضیحات و نکاتی در پاورقی آمده است که به معنای لغات مهجور و قدیمی، روشن کردن نکات مبهم، آگاهی از اعلام و... کمک می‌کند؛ به‌رغم اینکه بیت‌ها و مصرع‌هایی هنوز با ابهام باقی مانده است.

پیش از شروع متن اصلی، مقدمه‌ای برای این رساله تدوین و پس از آن به شرح حال مختصری از شاعر،

شیوه تصحیح، مشخصات ظاهری اثر، ویژگی‌های املائی و ویژگی‌های قصاید پرداخته شده است.

## مقدمه

در پیشینه تاریخ ادبیات هر کشوری، همواره بزرگانی بوده‌اند که از طبع لطیف و ذوق سرشار و توان نگارش خود بهره گرفته و آثاری پدید آورده‌اند که به راستی ماندگار و جاوید است. تداوم این خلاقیت و سلسله این نگارش‌ها، میراث ادبی یک ملت و پشتوانه فرهنگی و ادبی آن مرز و بوم به شمار می‌رود. چنین بزرگانی پس از اختراع دستگاه چاپ و رونق انتشارات و در پی آن در دنیای امروز که عصر ماشین و فناوری است، پس از خلق اثر، آن را به دست ناشر می‌سپارند و ناشر، اثر را در هزاران نسخه چاپ و تکثیر می‌کند و بدین ترتیب، نسخ چاپ شده به دست علاقه‌مندان و خوانندگان زیادی می‌رسد. اما در قرون گذشته، ادبا، عرفا، حکما، فلاسفه، دانشمندان و... آثار مکتوب خود را به سختی می‌توانستند در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. اثر، همان دم که در ذهن پدیدآورنده شکل می‌گرفت و از زه طبع گوینده متولد می‌شد، یا توسط شخصی دیگر نوشته می‌شد، چنان‌که مولانا در تمام طول سرایش مثنوی معنوی این نعمت را نصیب حسام‌الدین چلبی کرد، یا به صورت سوادی بود که بیاض آن را کسانی دیگر تهیه می‌کردند؛ رونوشتی از اثر اصلی و اولیه که اگر لطف و عنایت پروردگار شامل حال آن می‌شد، تا حدودی از تحریف و بدخوانی و سهو و خطا و اعمال سلیقه بری می‌ماند و عین اثر در چند نسخه معدود و گاه فقط در یک نسخه تهیه و تدوین می‌شد. عنوان میراث گذشتگان، به حق برای این نسخ که معمولاً با خطاطی و گاه تذهیب و ترصیف و کاتبان و هنرمندان پیشین کتابت و تهیه می‌شد، برانده و شایسته است. و در زمینه ادبیات، میراث ادبی هر ملتی مدیون و مرهون رنج و مشقتی است که شاعران و نویسندگان و گویندگان و نگارندگان و کاتبان قدیم متحمل می‌شده‌اند.

ادب ایرانی و زبان فارسی از جمله ادبیات غنی و پر بار ملل گوناگون به شمار می‌رود. و این غنای واسطه وجود صاحب ذوقان و سخنوران ایرانی و فارسی‌زبانی بوده که حدوداً از قرن چهارم هجری به بعد در این زمینه فعالیت کرده‌اند و میراثی گرانبها برای ادب دوستان و علاقه‌مندان به جای گذاشته‌اند. اگر فاجعه شوم

حمله مغول و کشت و کشتار و سوزاندن آثار و سرقت گنجینه‌های فرهنگی و ادبی در تاریخ این مرز و بوم رقم نمی‌خورد، چه بسا فرهنگ و ادب ایرانی امروزه غنی‌تر و پرشمارتر از این بود. با وجود این شوربختی، هنوز ایرانی به خود می‌بالد و آثار ادبی‌اش را در سراسر جهان انگشت‌نما و درخشان می‌بیند و با پشتوانه بزرگانی چون فردوسی، سعدی، حافظ، مولانا و بسیاری دیگر بر مسند ادبی مرتفعی تکیه می‌زند.

بی‌تردید یکی از راه‌های حفظ و پاسداری از آثار این بزرگان، احیا و بازسازی و انتشار اثر آنان است که بسیاری از آن‌ها هنوز به صورت نسخ خطی وجود دارد و آنچه در اعتلای این فرهنگ مؤثر است، بیرون آوردن شماری از کتاب‌ها و آثاری است که زیر خروارها خاک یا در قفسه کتابخانه‌های شخصی یا دولتی، در داخل یا خارج کشور مدفون شده است. نسخه‌یابی و نسخه‌شناسی نشان می‌دهد که هنوز ذخایر مکتوب و صدها کتاب و رساله خطی ارزشمند باقی مانده که به طبع نرسیده است. البته هستند آثار منتشر شده‌ای که بدون هیچ تحقیق و تصحیح و پژوهشی فقط چاپ شده‌اند، اما صرف‌نظر از نکته برجسته و ممتاز زنده نگاه داشتن نام پدیدآورنده آن و عنوان کتاب، نیاز به بررسی مجدد دارند. احیا، تصحیح و چاپ و نشر میراث پیشین، در واقع بازسازی هویت فرهنگی و ادبی و پزیرنگ و بار کردن ثمره زحمت و کوشش گذشتگان ماست. فراهم آوردن بستری برای پرداختن به آثار و نسخ قدیمی - که برگردۀ محققان، پژوهشگران، مصححان و علاقه‌مندان به ادب فارسی است - پاسداری و ارج نهادن به دانش و فرهنگ ایران و اسلام، غنای هرچه بیشتر ادبیات این مرز و بوم، بر جای گذاشتن میراثی بزرگ و ماندگار برای آیندگان، و روشنگر راه نسل‌های بعد به شمار می‌رود.

باشد که خداوند توانا و پروردگار گوهر والای خرد، یاری‌رسان رهپویان و عاشقان این طریق گردد.

سمیرا نجد سمیعی

تهران

زمستان ۸۶

## رضاقلی خان هدایت

### شرح زندگی رضاقلی خان هدایت

رضاقلی خان هدایت معروف به لاله‌باشی فرزند آقاهادی از نویسندگان و مورخان و محققان و شاعران بسیار نامی دوره قاجاریه است. وی در ۱۲۱۵ ه. ق. در تهران متولد شد. پدرش از اعیان قریه چهارده دامغان بوده و به همین جهت در آثارش خود را «هدایت طبرستانی» می‌نامد. پدر رضاقلی خان که خزانهدار دربار قاجار بود، در زمان فتحعلی‌شاه به فرمانروایی فارس منصوب شد و پس از مدتی حکومت در شیراز وفات یافت. بعد از این واقعه مادرش، همسر محمد مهدی خان شحنه شد و رضاقلی خان تحت سرپرستی شوهر مادر به تحصیل علوم متداوله پرداخت و در جوانی به ملازمت و خدمت حسین علی میرزا فرمانفرما و فرزندان او و برادرش، حسن علی میرزا شجاع‌السلطنه، درآمد.

رضاقلی خان از کودکی به سرودن شعر شوقی وافر داشت و در اشعارش «چاکر» تخلص می‌کرد، ولی بعد تخلص خود را به «هدایت» تغییر داد. در ۱۲۴۵ که فتحعلی‌شاه به شیراز رفت، میرزا محمدتقی علی‌آبادی، منشی‌الممالک، شاعر جوان را به حضور شاه برد و هدایت قصیده‌ای برای او ساخت و در حضورش خواند که پسند افتاد و شاه لقب خانی و امیرالشعرایی به وی داد. بعد از وفات ملک‌الشعرا فتحعلی خان صبا، وی به سمت ملک‌الشعرایی مفتخر گردید. در ۱۲۵۴ ه. ق. که محمدشاه از جنگ هرات به تهران بازگشت، فریدون میرزا، فرمانفرمای فارس، تحف و هدایایی توسط رضاقلی خان برای برادر خود، محمدشاه، فرستاد. هدایت در تهران به خانه حاج میرزا آقاسی، صدراعظم، وارد شد و او مقدم وی را گرامی داشت و به دربار معرفی‌اش کرد. محمدشاه که توجهش نسبت به وی معطوف شده بود، او را از بازگشت به شیراز بازداشت و پس از مدتی وی را به تربیت فرزندش، عباس میرزا ملک‌آرا، گماشت و از آنجا به لاله‌باشی معروف شد.

هدایت تا تاریخ ۱۲۶۴ ه. ق. که محمدشاه درگذشت، در دربار محترم و معزز می‌زیست و در سفر و

حاضر همراه شاه بود. اما پس از مرگ محمدشاه، هنگامی که ناصرالدین شاه از تبریز به سوی تهران حرکت کرد، هدایت، شاگرد خود، عباس میرزا، را به پیشواز او فرستاد. اما شاهزاده زیاد مورد توجه شاه واقع نشد و از آنجا که لله باشی نیز به واسطه وابستگی به عباس میرزا طرف بی‌مهری شاه بود، و همچنین به سعایت بدخواهان، مدتی بی‌کار و خانه‌نشین شد و زندگی را در عسرت گذراند. تا اینکه میرزا تقی‌خان امیرکبیر در ۱۲۶۷ او را مأمور سفارت خوارزم کرد. هنگامی که هدایت طبق دستور امیر، سفارت خود را به خوبی به انجام رساند و به ایران بازگشت، میرزا تقی‌خان امیرکبیر مغضوب و به کلی از صدارت برکنار شد. اما چندی بعد هدایت به فرمان ناصرالدین شاه به معاونت وزیر علوم و معارف، و ریاست دارالفنون منصوب شد و پانزده سال در این سمت باقی ماند. در این مدت به‌طور مداوم به تألیفات خود می‌پرداخت و در ۱۲۷۸ از خدمت دولت بازنشسته شد و به عنوان مربی مظفرالدین میرزا ولیعهد، که در آن هنگام یازده سال داشت، به آذربایجان فرستاده شد. پس از بازگشت از تبریز، در تهران انزوا اختیار کرد و به مطالعه و تحقیق و تألیف پرداخت تا سرانجام در ۱۲۸۸ ه. ق. پس از بیماری سختی زندگی را بدرود گفت (اقتباس و تلخیص از کتاب‌های از صبا تا نیما؛ یحیی آرین‌پور؛ تهران: زوآر، ۱۳۸۲؛ جلد اول، صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۴، و تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان؛ عبدالرفیع حقیقت؛ تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸، بخش یکم، صفحه ۴۷۵ تا ۴۸۱).

### شرح آثار رضاقلی خان هدایت

۱. مجمع الفصحاکه مجموعه مفصلی است در احوال و آثار شعرای قدیم و معاصر که مؤلف به رسم تذکره‌نویسان، پس از شرح حال هر یک از شعرا قطعاتی از اشعار آنان را نیز نقل می‌کند. این کتاب در آخرین سال زندگی مؤلف پایان یافته و به سال ۱۲۹۵ ه. ق. در تهران به چاپ رسیده است.
۲. ریاض العارفین که در تذکره شعرای صوفیه و در حقیقت متمم و مکمل مجمع الفصحاست و هدایت پس از تألیف، آن را به نام شاه کرد. این کتاب در ۱۳۰۵ ه. ق. در تهران چاپ شده است.
۳. فرهنگ انجمن آرای ناصری که فرهنگ تحلیلی جامع و مفصلی است و از آنجا که هدایت طی سال‌ها مطالعه و تحقیق متوجه شده بود فرهنگ‌های موجود غالباً دارای اغلاط و اشتباه‌های فراوان است، بر آن شد که این فرهنگ را تهیه و تنظیم کند. این فرهنگ پس از مرگ هدایت در ۱۲۸۸ ه. ق. توسط فرزندش، علیقلی خان مخبرالدوله، در تهران به چاپ رسید.



۴. سفرنامه خوارزم که در پاریس به وسیله لرو، با ترجمه و حواشی فرانسه به قلم شفر، مستشرق فرانسوی، در ۱۸۷۹ میلادی (۱۲۶۹ ه. ق.) چاپ و منتشر شد.
۵. روضة الصفاى ناصرى که به دستور شاه در ۱۲۷۴ ه. ق. تدوین شد. این مجموعه در واقع متمم و مکمل تاریخ عمومی روضة الصفا فی سیره الانبیا والملوک والخلفه، تألیف محمدبن خاوند شاه بلخی معروف به میرخواند است، که شش جلد بوده، و هدایت آن را در ده جلد تکمیل کرده است.
۶. اجمل التواریخ که تاریخ مختصر ایران است و هدایت آن را برای مظفردالدین شاه نوشته است.
۷. تصحیح دیوان منوچهری دامغانی.
۸. ریاض المحبین که در ۱۲۹۵ ه. ق. در تهران به چاپ رسیده است.
۹. گلستان ارم یا بکتاش نامه که داستانی عاشقانه است و در ۱۲۷۰ ه. ق. در تهران چاپ سنگی خورده است.<sup>۱</sup>
۱۰. مثنوی انیس العاشقین.
۱۱. مثنوی بحر الحقایق.
۱۲. فهرست التواریخ که ناتمام است.
۱۳. مظاهر الانوار که در مناقب ائمه اطهار است.
۱۴. اصول الفصول فی حصول الوصول که در تصوف است.
۱۵. رساله لطائف المعارف که به شرح نکته‌ها و دقایق عرفانی می‌پردازد و مشتمل بر لطایف عرفانی است.
۱۶. نژادنامه که در تحقیق نسب پادشاهان بعد از اسلام است.
۱۷. منهج الهدایه که در مرثیه ائمه اطهار است.
۱۸. مدارج البلاغه که در زمینه صنایع بدیعی نوشته شده است.
۱۹. مفتاح الکنوز که در شرح اشعار مشکل و پیچیده حکیم خاقانی نوشته شده است.
۲۰. مثنوی خرّم بهشت.
۲۱. مثنوی هدایت‌نامه.
۲۲. دیوان اشعار که شامل قصاید و غزلیات و غیره است.<sup>۲</sup> (همان کتاب‌ها).

---

۱. در کتاب تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان به قلم عبدالزّفع حقیقت، از این کتاب به عنوان مثنوی یاد شده است.  
۲. اثر حاضر، همین دیوان اشعار است که حاوی قصاید و غزلیات و غیره است. استاد آرین پور، مرحوم بهار و بسیاری دیگر، تعداد ابیات این دیوان را بالغ بر سی هزار بیت ذکر کرده‌اند. اما با وجود اینکه این اثر کامل است و جاافتادگی ندارد و تنها نسخه یافت‌شده از دیوان هدایت است و ادامه یا جلد دیگری ندارد، حدوداً دارای نه هزار بیت است.

## چگونگی نسخه‌یابی و شیوه تصحیح

نسخه خطی لطائف‌المعارف و دیوان جزو نسخ موجود در کتابخانه ملی، به شماره کتاب‌شناسی ۱۳ ف است. این نسخه از بین فهرست دوازده جلدی نسخه‌های خطی کتابخانه ملی به کوشش دکتر انوار انتخاب شده است. نسخه یاد شده از بین آثار رضاقلی خان هدایت نسخه‌ای منحصر به فرد است که تاکنون به چاپ نرسیده است. در پی صحت این ادعا و کاوش بیشتر، به فهرست نسخ خطی فارسی و فهرستواره کتاب‌های فارسی به کوشش آقای منزوی و کتاب‌های مختلفی درباره فهرست آثار چاپ شده فارسی و جستجوهای رایانه‌ای پرداخته شد؛ دیوان چاپ شده‌ای یافت نشد. از این رو، شایسته بود از نویسنده و گوینده‌ی عالی چون رضاقلی خان هدایت، و صاحب کتاب معروف مجمع‌الفصحا و آثار بسیار دیگر، دیوان شعری هم در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. و هرچند که با توجه به آثار بزرگان و گویندگان دوره بازگشت ادبی، از نظر شعری و محتوایی سست و تقلیدگونه به نظر بیاید، جای آن در مجموعه کارها و آثار نویسنده خالی می‌نماید.

شایان ذکر است این کتاب همان گونه که از عنوانش برمی‌آید، دارای دو بخش مجزاست. لطائف‌المعارف عنوان رساله‌ای از رضاقلی خان هدایت است مشتمل بر نکات و لطائف عرفانی، در حدود ۲۸ صفحه - که نسخه خطی آن منحصر به فرد نیست و نمونه‌های دیگری از آن یافت شده است. اما بخش دیوان که مشتمل بر قصاید (صفحه ۳۱ تا ۲۲۰)، غزلیات (۲۲۳ تا ۳۷۷)، قطعات (۳۷۷ تا ۳۸۹)، ترجیع‌بند (۳۸۹ تا ۴۰۰) و ساقی‌نامه (۴۰۰ تا ۴۰۶) است، مجموعه‌ای به ظاهر کامل می‌نماید - که فقط همین یک نسخه از آن یافت، و احتمالاً در ۱۲۶۰ قمری کتابت شده است.

با توجه به توضیحات فوق، و از آنجا که از دیوان مذکور فقط یک نسخه یافت شده، شیوه تصحیح آن قیاسی است. چه، پیشکسوتان نقد و تصحیح متون، آنجا که از نسخه‌ای فقط یک نمونه موجود باشد و مصحح به ناچار به قوه حدس و تشخیص خود در محدوده ضوابط و رعایت اصول و یاری قرائن موضوعی، زبانی و تاریخی تکیه کند، شیوه تصحیح قیاسی را به رسمیت شناخته‌اند. که البته نباید این شیوه را با تصحیح ذوقی

آمیخت و تغییرات دلخواه و بی‌اساس و سلیقه‌ای خود را تصحیح قیاسی نامید. رعایت امانت و امانتداری علمی مبنای اصلی هر نوع تصحیح متن است. از طرفی می‌توان شیوه تصحیح این دیوان را به نوعی، انتقادی دانست زیرا از آنجا که فقط یک نسخه از کتاب موجود بوده و بدلی وجود نداشته تا به هنگام برخورد با مشکلات و ابهامات با آن مقایسه گردد، به ناچار اشتباه‌ها و ابهامات مورد نقد و بررسی قرار گرفته و اغلاط متن تصحیح و توضیح داده شده است.

در مورد روش کار، باید گفت که در تصحیح این نسخه نهایت کوشش صورت گرفته تا حد ممکن، پایبندی به اصل رعایت شود و فقط شیوه رسم الخط آن بر اساس رسم الخط امروزی، برابر رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی تغییر یافته، که در قسمت ویژگی‌های املائی و رسم الخطی اثر، شیوه کتابت اصلی با ذکر شاهد و مثال از متن، ارائه شده است. همچنین گاه برای تسهیل در خواندن و جلوگیری از خوانش اشتباه، اعراب‌گذاری‌هایی انجام شده است. ترتیب قرار گرفتن قصاید، همان ترتیب متن اصلی است، و شماره صفحه اصلی متن در چهارگوشی در حاشیه چپ بیت‌ها ذکر شده است. بحر عروضی قصاید با ستاره‌ای که بالای عنوان قصاید قرار گرفته، در پانویشت مشخص شده است. ابیات شماره گذاری، و حواشی و پانویست‌هایی به برخی ابیات اختصاص داده شده تا در خواندن و فهم مطالب مؤثر افتد. اعداد ارجاعی یا شماره تُکِ آخر ابیات، نشانگر توضیح یا توضیحاتی در خصوص بیت مورد نظر است. از آنجا که در برخی ابیات بیش از دو یا سه مورد باید توضیح داده می‌شد، اعداد ارجاعی در آخر بیت مورد نظر آمده تا موجب آشفتگی متن نشود و از زیبایی آن نکاهد. پانویست‌ها و توضیحات فقط در مورد نکات مبهم و ضروری یا معانی لغات مهجور و دورافتاده آمده است. توضیحات دقیق‌تر و اساسی‌تر ان شاء الله بعداً ارائه خواهد شد.

## ویژگی‌های ظاهری اثر

کتاب لطائف المعارف و دیوان، دارای ابعاد ۱۸ در ۲۸ سانتی‌متر است. ۲۰۳ ورق (۴۰۶ صفحه) دارد که هر صفحه ۲۲ سطر کامل است. جلد کتاب روغنی و گل‌بوته‌دار است و پشت جلد گل‌نرگس است. نمونه عکس‌های رو و پشت جلد به همراه نمونه‌ای از صفحات متن اصلی ارائه شده است.

نوع کاغذ، فرنگی و کرم‌رنگ است و تزیینات متن عبارت است از مجدول زر، سرحوله و طلااندازی. خط متن نستعلیق نسبتاً خوش است که با مرکب مشکی نوشته شده. در بعضی جاها نیز رنگینه‌نویسی شده است، مانند عنوان قصاید، تجدید مطلع‌ها، نام ممدوح شاعر و نام مبارک پیامبر (ص) و امام علی (ع) و گه‌گاه واژه‌هایی دیگر در متن. در انتهای بعضی از مصرع‌ها علامت سه نقطه‌ای وجود دارد که به نظر می‌آید کاتب برای پر کردن خط و به منظور آرایش صفحه از آن استفاده کرده است. متأسفانه نام کاتب ذکر نشده است.

در صفحه اول، پیش از شروع متن، مشخصات کتاب‌نامه‌ای اثر شامل نمره کتاب (۵۰۰)، عنوان کتاب، نام مصنف، تاریخ تحریر، نوع کاغذ و خط و جلد، تعداد اوراق و قطع آن در جدولی به چشم می‌خورد که مربوط به کتابخانه دولت علیّه ایران است. در پایین جدول مهر مشیرالسلطنه وجود دارد و زیر مهر نوشته شده است: «در تاریخ ۱۳۲۲ ملاحظه شد». در سمت چپ جدول این جمله نوشته شده است: «رساله موسومه بلطایف المعارف بتاریخ شهر رجب المرجب از غرض کتابخانه مبارکه پادشاهی روحنا فداه...» و ادامه مطلب که شاید حدود دو یا سه کلمه باشد، پاک شده است. در پایین صفحه عبارت «مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است... سال ۱۲۸۲» بدون نقطه گذاری حروف نوشته شده، و زیر آن دو مهر به چشم می‌خورد که زیاد واضح نیست اما به نظر می‌آید روی آن‌ها دو نام محمد حسینی رضا و بن حسین هدایت‌الله حک شده است.

پس از آن متن رساله با این عنوان شروع می‌شود: «رساله موسومه بلطایف المعارف من تألیفات الحقیق الفقیر هدایت فی حقایق و المعارف» و بالای این عنوان مهر ناصرالدین شاه خودنمایی می‌کند.